

سنجش شاخص‌های بعد ادراکی-احساسی قلمروهای محیطی بر پایه تفسیر قرارگاه‌های رفتاری کاربران (مورد پژوهی: مجموعه‌های مسکونی سازمانی شهر اهواز)*

نیلوفر محمدی**، کوروش مومنی***، ماهان ناجی****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۱۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

چکیده

پژوهش حاضر با هدف سنجش شاخص‌های ادراکی-احساسی قلمروهای محیطی و تحلیل قرارگاه‌های رفتاری کاربران در چهار شهرک مسکونی سازمانی اهواز انجام شد. روش تحقیق کیفی-کمی و از نوع توصیفی-تحلیلی بود. در بخش کیفی، شاخص‌های اصلی از ادبیات نظری استخراج و در بخش کمی، پرسشنامه‌های ساختاریافته بر اساس طیف لیکرت میان کاربران و کارشناسان توزیع شد. پنج شاخص کلیدی شامل احساس امنیت، مالکیت ادراک‌شده، حس تعلق، خوانایی و هویت‌مندی فضا مورد سنجش قرار گرفت. داده‌ها با نمونه‌گیری خوشه‌ای و روش گلوله‌برفی جمع‌آوری و با SPSS تحلیل شدند. نتایج نشان داد شهرک گیت‌بوستان در امنیت، مالکیت ادراک‌شده، حس تعلق و هویت‌مندی عملکرد برتری داشت و کوی استادان در شاخص خوانایی وضعیت بهتری نشان داد. در مقابل، شهرک‌های نفت و نیشکر به دلیل ضعف در مرزبندی فضایی و فقدان نشانه‌های هویتی، مقادیر پایین‌تری کسب کردند. یافته‌ها اهمیت مرزبندی شفاف، هویت بومی را در ارتقای کیفیت قلمروهای محیطی تأیید می‌کند.

واژه‌های کلیدی

قلمرو، بعد ادراکی-احساسی، قرارگاه رفتاری، مجموعه‌های مسکونی، اهواز.

* این مقاله برگرفته از بخشی از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «تبیین چارچوب قلمروهای محیطی بر پایه تفسیر قرارگاه‌های رفتاری کاربران (پژوهش موردی: مجموعه‌های مسکونی سازمانی شهر اهواز)» به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز است.

** گروه معماری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

Email: n.mohamadi.ac@gmail.com

*** دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول، دزفول، ایران (مسئول مکاتبات).

Email: K_Momeni@jsu.ac.ir

ORCID: 0000-0002-6978-3571

**** گروه گرافیک، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

Email: Mah_naji@yahoo.com

مقدمه

تعاملات انسان-محیط مفهومی پیچیده از مباحث دانش روانشناسی محیطی است که امروزه به دلیل عدم تسلط طراحان محیطی نسبت به اصول این دانش میان رشته ای و بهره گیری ضعیف از آن، منجر به عدم انسجام چارچوب ها در طراحی محیطی به خصوص در زمینه ی طراحی قلمروها گردیده است. لذا، بهبود کارکرد محیط از طریق شناخت قلمروهای محیطی به عنوان یکی از عناصر حیاتی طراحی محیطی، نیازمند بهره گیری از مطالعات میان رشته ای است تا بتواند به تناسبات محیط کالبدی با فعالیت ها و نیازهای انسانی پاسخ دهد. نادیده گرفتن رابطه ی بین معماری و دانش روانشناسی چه در داخل و چه در خارج از صنعت طراحی (Ricci, 2021, 98). منجر به عدم وجود یا کمبود قرارگاه های رفتاری مطلوب در مجموعه های مسکونی معاصر شده است. همچنین با توجه به اینکه بیشتر پژوهش های مربوط به قرارگاه رفتاری در محیط های شهری انجام شده است، شناسایی و تحلیل قرارگاه های رفتاری در محیط های مسکونی با توجه به قلمروها، حریم ها، باورها و ارزش ها با کمبود مواجه است، که این کمبود موجب گردید تا معماران با تصورات خود از زندگی، طراحی قرارگاه های رفتاری را تحت الشعاع قرار دهند. همین موضوع، در مسکن امروز سبب شده تا تنها بخشی از رفتارهای مطلوب و مورد مطالبه کاربران در فضای خانه، و بخشی دیگر در فضاهای شهری به وقوع بپیوندند. در صورتی که فضاهای شهری محل حضور برخی رفتارهای زندگی درونی خانه به علت کمبود و یا عدم وجود قرارگاه های درخور شیوه زندگی مطلوب نباشند، این مسأله می تواند فضاهای زندگی را دچار مشکل و تداخل نماید. لذا به اعتقاد راجر بارکر^۱، قرارگاه های رفتاری می توانند به نوعی پاسخدهی محیط به کاربران را افزایش دهند و عدم توجه به قرارگاه های رفتاری باعث از بین رفتن فعالیت ها، و عملکرد تعریف شده در فضا و بی ثباتی فضا می گردد (قهفرخی و همکاران، ۱۳۹۹، ۳۱؛ Barker, 1968).

با توجه به پیشرفت سریع فناوری که تاثیرپذیری و تاثیرگذاری انسان و محیط را نیز تسریع کرده و موجب اختلال در نظام بوم شناختی (اکولوژیک) «انسان-محیط» شده، هر روزه مسائل محیطی-رفتاری جدیدی برای انسان معاصر شکل می گیرد که با استفاده از دانش روان شناسی محیطی می توان به حل و فصل آنها پرداخت. همچنین با توجه به اینکه معماری می تواند بر سلامت، شادی و عملکرد فیزیولوژیکی انسان تاثیر بگذارد، امروزه از آن برای ایجاد نتایج فیزیکی و رفتاری خاص استفاده نمی شود (St-Jean, 2022). از آنجاییکه در روان شناسی سنتی به ابعاد محیطی-فرهنگی توجه کافی نشده است، این دانش می تواند این خلاء را پر کند (شاهچراغی و بندرآباد،

۱۳۹۹، ۴۹). همچنین عدم توجه به مفهوم قلمرو به منظور پاسخگویی به نیازهای انسان از دیگر پیامدهای این مسئله است. مفهوم قلمرو فراتر از تقاضای فیزیکی و فضایی انسان است، که به منظور پاسخ به نیازهای عاطفی و فرهنگی انسان بوجود آمده است (Zubaidi et al., 2013, 90). با توجه به اهمیت وجود مرز و قلمرو در ساختار فضایی مجموعه های مسکونی، در سال های اخیر، شاهد عدم توجه به سلسله مراتب قلمروها و ماهیت چندگانه آن ها هستیم. و از آنجاییکه این قلمروها مقر قرارگاه های رفتاری متعددی هستند، توجه به اصل همساختی و تناسب ساختارهای کالبدی با الگوهای رفتاری، موضوع مهمی در کیفیت بخشی به قلمروهای مجموعه های مسکونی است که نادیده گرفته شده است. در واقع مسئله ی اصلی این پژوهش، عدم توجه به بعد احساسی-ادراکی قلمروها است. ایجاد رفتارهای متناظر با قلمروها را می توان در نیازهای انسان جستجو کرد که تحت عناصر فیزیکی محیط قرار گرفته اند (Huang et al., 2019, 88). اگرچه محققان وضعیت شهرک های مسکونی را از نظر الگوی آنها (دروازه دار و تبدیل به الگوی باز) از منظر تدوین سیاست و توسعه مناطق شهری بررسی کرده اند، اما توجه کمتری به تغییرات احساسات ساکنین در خصوص قلمروپایی ناشی از تغییرات الگوهای فضایی دارند. کشف شکاف دانشی از نظریه قلمروی فضایی با توجه به جنبه های رفتاری و فرهنگی جامعه می تواند به فهم عمیق تر آن کمک کند. در واقع قلمروهای محیط های مسکونی به عنوان یک محیط فیزیکی و منحصر به فرد، مورد مطالعه عمیق از منظر جنبه های رفتاری و ارزش های فرهنگی قرار نگرفته است (Zubaidi et al., 2013, 92). به همین دلیل، اهمیت گنجاندن بعد روانی در معماری بسیار ضروری است (Ricci, 2021, 100). قرارگاه رفتاری به عنوان محصول روانشناسی بوم شناختی بر نقش موقعیت فیزیکی در خلق رفتار انسان تاکید داشته و به تاثیر محیط فیزیکی بر مردمی که از آن بهره میبرند میپردازد. ارتباط زنجیره ای قرارگاه های رفتاری با یکدیگر و شناسایی خرد مکان های رفتاری در درون یک پهنه و تلاش در جهت ساماندهی آنها و ایجاد پیوستگی میان آنها در جهت کیفیت محیطی ساکنان در این مقر رفتاری بسیار حائز اهمیت است و در صورت عدم وجود کیفیات لازم، الگوهای رفتاری دچار اختلال می شود (شریعتی و همکاران، ۱۴۰۰). با توجه به اینکه مفهوم قلمرو از منظر جنبه های رفتاری و فرهنگی تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است، لذا ضرورت انجام این پژوهش احساس می شود (Zubaidi et al., 2013, 89). از آنجاییکه شکل دهی به یک قلمرو تنها با ایجاد کالبد میسر نمی شود، ضروری است تا افزون بر شناخت و تحلیل الگوهای کالبدی، شیوه ی زندگی در قلمروها و درک ساکنان از خانه هایشان فهمیده شود.

پیشینه تحقیق

مطابق (جدول ۱) شرح مختصری از مطالعات داخلی و خارجی در حوزه ی مطالعات مربوط به مفهوم قرارگاه رفتاری در محیط های مسکونی به شرح زیر بیان شده است؛

مبانی نظری تحقیق

مفهوم قرارگاه رفتاری

روانشناسان اکولوژیک محیط واقعی زندگی و رفتار انسان را متشکل از واحد هایی می دانند که در ارتباط با هم اما در عین حال مستقل از هم کار می کنند. این واحدها ترکیبی از «رفتار - کالبد» هستند (جعفری،

زیرا رفتارهای شکل گرفته در قلمروها متأثر از فرهنگ است (عینی‌فر و آقالطیفی، ۱۳۹۹، ۳۶).

بطور کلی، هدف اصلی این پژوهش، ارزیابی کارکردی بُعد رفتاری قلمروهای محیطی از طریق تشریح نظامند مفهوم قرارگاه رفتاری و استخراج ابعاد، شاخص ها و معیارهای آن است. بر همین اساس سوال اصلی این پژوهش عبارتست از؛ چگونه می توان از مفهوم میان رشته ای قرارگاه رفتاری، برای خوانش کارکرد بعد رفتاری قلمروهای محیطی و بررسی قابلیت ها و یا نارسائی های آنها در مجموعه های مسکونی استفاده کرد؟ برای پاسخ به سوال اصلی پژوهش ابتدا پیشینه تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۱. بررسی مطالعات انجام شده در حوزه مفهوم قرارگاه رفتاری
Table 1. Review of Studies Conducted in the Field of the Behavioral Setting Concept

عنوان	مؤلف/سال	روش تحقیق	نتایج
۱ « قرارگاه های رفتاری در محیط های مسکونی »	Sanoff, (1971)	کیفی	پرسشنامه توالی فعالیت‌ها در فضاها را نمایش داد. اگرچه تعریف دقیقی از قرارگاه رفتاری ارائه نشده است، اما ویژگی‌های مهم آن شناسایی شد و به فهم بهتر رابطه بین رفتار کاربران و محیط کمک می‌کند.
۲ « ارزیابی قرارگاه رفتاری برای برنامه های اجتماعی و سکونتگاه ها »	Perkins & (Baker, 1991)	کمی-کیفی	قرارگاه‌های رفتاری در مسکن با روش «BSA» بررسی شدند و رفتارهای کاربران شناسایی و دسته‌بندی گردید. بر اساس نتایج، رفتارهای مناسب و اختلال‌زا مشخص و راهکارهایی برای بهبود طراحی فضایی ارائه شد.
۳ « چارچوب شناسایی، تحلیل و بررسی قرارگاه های رفتاری در طراحی فضاهای مسکن، نمونه موردی: منطقه فرهنگ شهر شیراز »	(قهفرخی و همکاران، ۱۳۹۹)	کمی-کیفی	پژوهش به تحلیل شاخصه‌های مکان-رفتار و شبکه رفتار فضایی در خانه‌های معاصر پرداخته و میزان تداخل و اثرگذاری قرارگاه‌های رفتاری را بررسی کرده است. نتایج، روشی برای پاسخ بهینه فضایی به رفتارهای دلخواه و سازگار با نیازهای زیستی کاربران ارائه می‌دهد.
۴ « تدوین یک چارچوب نظری ترکیبی از برهمکنش نحو فضا و قرارگاه های رفتاری به منظور مقایسه الگوهای رفتاری-حرکتی در محیط های مسکونی: مورد کاوی نارمک، یوسف آباد و شهرک غرب »	(بهزادفر و همکاران، ۱۳۹۸)	کیفی	با استفاده از چارچوب نظری پیشنهادی، پژوهش مبنایی برای بررسی الگوهای رفتاری-حرکتی در محیط‌های مسکونی و بافت شهری ایجاد کرده است. یافته‌ها نشان دادند که توزیع قرارگاه‌های رفتاری با میزان همپیوندی و پیکره‌بندی فضایی محیط مسکونی رابطه معناداری دارد.
۵ «بازشناسی مفهوم قرارگاه های رفتاری مروری بر تعاریف و ویژگی های قرارگاه رفتاری با تأکید بر مرور تحلیلی متن شوگن»	(دژدار و همکاران، ۱۳۹۱)	کیفی	پژوهش قرارگاه‌های رفتاری و اجزای آن، از جمله الگوی جاری رفتار و هم‌ساختی محیط و رفتار، را معرفی کرده است. هدف، شناسایی قرارگاه‌های رفتاری محیط‌های ساخته‌شده و بهره‌برداری از آن در بررسی محیط‌ها و ارتقای دانش طراحی طراحان بوده است.
۶ « قرارگاه فضای میانی در مجتمع های مسکونی تهران به منظور ارتقاء میزان دلبستگی ساکنان »	(حاجی آقابزرگ و همکاران، ۱۴۰۰)	کمی-کیفی	به تاثیر معیارهای کالبدی و رفتاری در فضاهای مجتمع مسکونی پرداخته است.

۱۴۰۱، ۷۳). «مقرر رفتاری» یا «قرارگاه رفتاری» عنصری تحلیل کننده یا برای تحلیل محیط است که برای تشریح کارکردهای اصلی فضاهای معماری و رابطه کالبدی محیط و رفتار کاربران فضاها به کار گرفته می‌شود (ذاکرانی، ۱۳۹۵، ۱۸). در علوم رفتار-محیطی^۲، راجر بارکر چهره شاخصی است. او با تکیه بر رویکردهای یاد شده، ساختارهای کالبدی و اجتماعی محیط را در قالب یک کل واحد و تحت عنوان «قرارگاه رفتاری» معرفی نمود (گلرخ، ۱۳۹۱، ۱۳). بخش زیادی از نظم، پایداری و قابلیت پیش بینی پذیری رفتار انسانی ناشی از وجود محیط های اکولوژیکی و همان قرارگاه های رفتاری ساختارمند پایدار و اجباری^۳ است که افراد در آن استقرار می یابند (Bonnes & Secchiaroli, 1995, 36). قرارگاه رفتاری ترکیبی هم ساخت (سینومرفیک^۴) از محیط فیزیکی و الگوهای پایدار رفتار منضم به آن می باشد که هر دو لازم و ضروری اند و به تنهایی کافی نیستند (Scott, 2005, 311). این دو جزء قرارگاه رفتاری که مفاهیم کلی آن را تشکیل می دهند، و همچنین، فرایندهای میان آنها را معرفی می نماید که در مجموع زبان مبنایی نظریه بارکر را شکل می دهند (Popov & Chompalov, 2012, 23).

عناصر تشکیل دهنده قرارگاه رفتاری:

عناصر تشکیل دهنده یک مقرر رفتاری شامل: ۱. فعالیت مستمر و پایدار در یک مکان یا الگوی پایدار یک رفتار^۵، ۲. قلمرو یا آرایش سه بعدی یک مکان-رفتار، ۳. ساختار محیط یک مکان و ۴. وجود یک دوره زمانی است (ذاکرانی، ۱۳۹۵، ۲۱).

■ **فعالیتی بازگشت کننده و قابل تکرار و یا الگوهای جاری رفتاری:** طبق تحلیل لوفور^۶، سیستم های فضایی، مستلزم شرایطی هستند که نه صرفاً از منظر ترتیب کالبدی موضوعات بلکه از نظر الگوهای رفتاری اجتماعی و روانشناختی که محیط روانی انسان را شکل می دهند، حائز اهمیت می شوند (Sheldrake, 2007, 249). الگوی رفتاری پایدار، شبه ایژه ای تکرار شونده و مورد مناقشه است که به عنوان مفهوم مرکزی یا ساختار اصلی قرارگاه رفتاری عمل می کند. بارکر، الگوهای پایدار رفتاری را به عنوان یک احاطه گر و رفتارهای همساخت یا متناسب با محیط توصیف می کند (Francovich, 2008, 41).

■ طرح خاصی از محیط یا محیط کالبدی:

قرارگاه های رفتاری، موجودیت هایی بالواقع با مرزهای زمانی و مکانی مشخص هستند که تناسبی میان اجزاء کالبدیشان، رفتار کاربران و برنامه رویدادها وجود دارد (Moore, 1979, 36) به نقل از (Nasar, 2011, 73) قرارگاه رفتاری توسط اعمال مشترک افراد در ارتباط با ویژگیهای محیط (توانش محیط) ایجاد می‌شود (Heft et al., 2014).

بارکر، چارچوب یا ساختار کالبدی قرارگاه رفتاری را با مرز کالبدی، عینیات و اشیا، عوامل طبیعی و محرکهای حسی و جوسیماشناختی توصیف کرده است (تفکر و همکاران، ۱۳۹۸).

■ رابطه سازگاری بین این دو یا همساختی:

مردم در یک داروخانه «رفتارهای منطبق با داروخانه» را به نمایش می گذارند، حال آنکه در یک ورزشگاه «رفتارهای منطبق با ورزشگاه» را از خود بروز می دهند. چنین الگوهای ثابت رفتاری از بطن ویژگیهای اجتماعی-کالبدی مکان ها و همچنین ویژگی های زمانی شان نشأت می گیرند (Nasar, 2011, 62)؛ به عبارتی این رفتار در یک محیط اتفاق می افتد و محیط با رفتار مطابقت دارد (Francovich, 2008, 44).

■ دوره زمانی خاص:

در بروز و ایجاد قرارگاه های رفتاری، مواردی نظیر موقعیت زمانی، توالی رویداد و دوره تناوب به صورتی که ممکن است تنها یک بار و در یک روز مشخص یا مطابق برنامه زمانی مشخصی از روزها تکرار شود (گلرخ، ۱۳۹۱، ۳۴) حائز اهمیت هستند.

نقش قلمروها در کنترل قرارگاه های رفتاری کاربران:

مطالعات (Bechtel, 1977; Lang, 2004) مبنی بر این است که قرارگاه ها یا مکانهای رفتاری نباید بیش از اندازه شلوغ باشند؛ به این معنا که تعداد افراد باید با الگوی جاری رفتار تناسب داشته باشد و مردم می بایست فضای شخصی کافی و کنترل قلمروپایی دلخواه خود را داشته باشند، به این ترتیب یکی از مهمترین عوامل محیطی مؤثر بر تعامل اجتماعی، تعداد افراد موجود برای تماس در محدوده فضایی مورد نظر تعریف شده است (Arzhamand & Khani, 2012, 31). امروزه الگوهای رفتاری در بسیاری از موارد با کالبد بنا هماهنگ و سازگار نیستند و محدوده قلمروهایی که توسط رفتار کاربران (قلمروهای رفتاری) شکل میگیرد در بسیاری از موارد با محدوده قلمروهایی که کالبد بنا (قلمروهای کالبدی) شکل میدهد متفاوت است. این موضوع موجب عدم شکل گیری عرصه های مشخص و سلسله مراتبی تعریف شده در محیطه ای مسکونی شده است (عینی فر و همکاران، ۱۳۹۶، ۴۸).

عوامل تأثیرگذار بر مفهوم قلمرو:

قلمرو مفهومی پیچیده است، معنای ثابتی ندارد و در عرصه های گوناگون محیط زندگی تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار می گیرد (بحرینی و تاج بخش، ۱۳۷۸، ۲۱). بطور کلی این مفهوم در دو بعد محتوایی و کالبدی قابل بررسی است و تحت تاثیر متغیر مداخله گر

به شاخص هویت‌مندی بسنده شده است. توضیح این عوامل به شرح زیر است (جدول ۲ و جدول ۳):

روش تحقیق

رویکرد این تحقیق کیفی-کمی است که بر اساس نوع روش انجام و محتوای فرضیه از نوع توصیفی-تحلیلی می باشد. همچنین نوع رابطه متغیرها در این تحقیق از نوع همبستگی است. در بخش اول، بخش کیفی تحقیق، در ابتدا به بررسی مفهومی قرارگاه رفتاری بر اساس نظریه راجر بارکر، سپس به بررسی شاخص‌های آن، پرداخته شده است. همچنین در این بخش به بررسی شاخص‌های بعد ادراکی قلمروها پرداخته شده است. در گام دوم تحقیق، با استفاده از روش

فرهنگ است (جم و محمدی، ۱۳۹۶، ۲۷۰). بنابر آنچه گفته شد قلمرو را میتوان مفهومی همزمان کالبدی و رفتاری در نظر گرفت و محیط و انسان را در آن مؤثر دانست (شعبانی و همکاران، ۱۴۰۰، ۳۳). بیدولف^۷ معتقد است: «عوامل فیزیکی به تنهایی مرز بین قلمروها را شکل نمی دهند بلکه قلمروها تحت تاثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و حتی تفاوت های نژادی نیز هستند» (Biddulph, 2007, 21). برخی از عوامل تاثیرگذار بر درک مفهوم قلمرو شامل: عوامل اجتماعی، ادراکی-روانی، کالبدی و کارکردی هستند. عوامل جغرافیایی-فرهنگی و عمل زمان نیز بستر تاثیرگذاری عوامل قبلی به شمار می آیند. در این تحقیق به بعد ادراکی-روانی قلمروها پرداخته شده است و از میان عوامل فرهنگی-اجتماعی فقط

جدول ۲. شاخص‌های بعد ادراکی-احساسی قلمروهای محیطی
Table 2. Indicators of the Perceptual-Emotional Dimension of Environmental Territories

ابعاد کیفی	شاخص	تفسیر	مطالعات پشتیبان شاخص
بعد احساسی-ادراکی قلمرو	احساس امنیت	مرکزیت بیشتر قلمرو به دلیل امنیت و کنترل امنیت و کنترل بیشتر در قلمروهای اصلی سلسله مراتب قلمروی مکانی با زمینه های وجود آورنده خلوت، کمک به احساس بهزیستی و امنیت	مک اندرو (۱۳۹۴)، نیومن (۱۳۸۷)، لنگ (۱۳۹۶)
	مالکیت ادراک شده قلمروها	درجه ای از مالکیت و کنترل بر فضای کالبدی؛ مالکیت روانشناختی و احساس روانی درآمیختن با موضوع؛ مالکیت و دفاع گاه به گاه فعالانه و شخصی سازی	مک اندرو (۱۳۹۴)، مدنی پور (۱۳۹۴)، Rapoport (2005), Altman (1975), Bell et al., (1996), Duncan(1981), Weil (1952)
	حس تعلق	قلمرو مولفه ی اصلی در حس پردازی مکان، حس تعلق و انس با مکان مشتق می شود. شکلی از اشکال تجریدی برای کنترل از طریق اهرم های مالی، خصوصی و سازمانی بر فضا که موجبات ارتقای تصورات ذهنی انسان ها از مکان ها و زمان زندگی خویش در عرصه ها و قلمروها هستند.	Brown et al., (2005), بحرینی (۱۳۷۸)، مدنی پور (۱۳۹۴)
	خوانایی	استفاده از عناصر خوانایی بخش در جهت وضوح، جهت یابی، نمایانی و معنا بخشی به قلمروها.	بحرینی (۱۳۷۸)، شفیعی (۱۳۹۳)، شولتز (۱۳۹۳)
الگوی جاری رفتار	طرح خاصی از محیط کالبدی	همساختی بین کالبد-رفتار	دوره ی زمانی خاص
تحلیل شاخص های ادراکی-احساسی قلمروها از منظر اجزای قرارگاه های رفتاری در محیط های سکونت (از دیدگاه بارکر)			
ابزار سنجش: پرسشنامه-مشاهده.			

جدول ۳. شاخص‌های بُعد فرهنگی-اجتماعی قلمروهای محیطی
Table 3. Cultural-Social Dimension Indicators of Environmental Domains

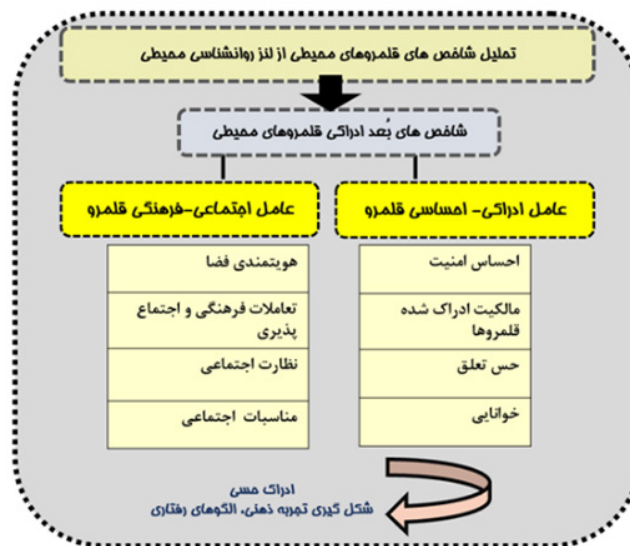
ابعاد کیفی	شاخص	تفسیر	مطالعات پشتیبان شاخص
بعد فرهنگی-اجتماعی قلمرو	هویت‌مندی فضا	ایجاد، تثبیت و دفاع از هویت جمعی و فردی	Lawson (2007), Delaney (2008), Brown et al., (2005), Shils (1975), Jordan (1998)
	تعاملات اجتماعی و فرهنگی	ایجاد ارتباط بین قلمرو و رفتار عمومی انسان تثبیت کننده روابط اجتماعی و مکانی برای برقراری آن	مک اندرو (۱۳۹۴)، Lawson (2007)
	نظارت اجتماعی	نظارت بر مرز میان خود و دیگری، نظارت بر تعامل اجتماعی، نظارت بر مکان، خصوصی سازی با علامت گذاری مکان، واکنش دفاعی در تجاوز به مرزهای قلمرو	Lyman & Scott (1967), Foucault (1980), Altman (1975)
	مناسبات اجتماعی	برگزاری آیین های جمعی، مناسبات، معیشتی، مناسبات مذهبی	امین زاده (۱۳۸۶)، تاجبخش (۱۳۸۳)، فلامکی و همکاران (۱۳۹۳)
الگوی جاری رفتار			
طرح خاصی از محیط کالبدی			
همساختی بین کالبد-رفتار			
دوره ی زمانی خاص			
تحلیل شاخص های ادراکی-احساسی قلمروها از منظر اجزای قرارگاه های رفتاری در محیط های سکونت (از دیدگاه بارکر)			
ابزار سنجش: پرسشنامه-مشاهده.			

شاخص‌های پژوهش حاضر بر مبنای مدل مفهومی تحقیق (شکل ۱) به دست آمده‌اند. همان‌طور که در مدل مشاهده می‌شود، تحلیل قلمروهای محیطی از منظر روانشناسی محیط منجر به شناسایی دو دسته عامل اصلی گردید: عامل ادراکی-احساسی قلمرو و عامل اجتماعی-فرهنگی قلمرو. از دل این دو عامل، مجموعه‌ای از شاخص‌های جزئی‌تر استخراج شد که مبنای سنجش قرارگاه‌های رفتاری کاربران در مجتمع‌های مسکونی سازمانی هستند.

در این میان، برای عامل ادراکی-احساسی قلمرو پنج شاخص اصلی شناسایی و به‌عنوان زیرمجموعه‌های بعد ادراکی قلمروهای محیطی انتخاب شدند:

۱. احساس امنیت
 ۲. مالکیت ادارک شده قلمروها
 ۳. حس تعلق
 ۴. خوانایی
 ۵. هویت‌مندی فضا
- با توجه به شرایط ویژه مطالعه موردی (شهرک‌های مسکونی سازمانی شهر اهواز) که از همگنی اجتماعی بالایی برخوردارند، از میان شاخص‌های مربوط به عامل اجتماعی-فرهنگی قلمرو تنها به

کمی، به تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده از مراحل کیفی پرداخته می‌شود. در بخش کمی، ابتدا مولفه‌های مربوط به قرارگاه رفتاری در قالب پرسشنامه تدوین می‌گردد، و برای کاربران فضاها، و همچنین نظر متخصصین (با توجه به نظر متخصصین معیارهای موجود در پرسشنامه می‌تواند حذف و یا اضافه گردد) با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب و مورد سنجش قرار می‌گیرد و در نهایت، داده‌های بدست آمده در پرسشنامه، در نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل و اولویت بندی می‌شوند. طراحی پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت انجام می‌گیرد. روایی^۸ داده‌های پرسشنامه‌ها، بوسیله ۱۰ نفر از متخصصین معماری و شهرسازی که اشراف کامل به موضوع مجموعه‌های مسکونی اهواز به ویژه مجموعه‌های سازمانی (شرکت شهرها) دارند انجام داده می‌شود. بگونه‌ای که انتخاب نمونه در میان متخصصین، بصورت نمونه‌گیری گلوله برفی^۹ است و فقط نفر اول به صورت هدفمند انتخاب می‌شود. پایایی^{۱۰} پرسشنامه‌ها بوسیله ضریب آلفای کرونباخ تعیین می‌گردد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش
Figure 1. Conceptual model of the research

همین دلیل، مجموعه‌های انتخاب شده به دلیل دارا بودن دو تیپ خانه‌های آپارتمانی و ویلایی (تنوع در سطح و در ارتفاع) درون خود، از حیث تنوع در وسعت و تنوع در ارتفاع قابل توجه می‌باشند. همچنین، به دلیل گستردگی و فراوانی مجموعه‌های مسکونی شهر اهواز نیز، در این تحقیق هر کدام از نمونه‌های مجموعه مسکونی با توجه به سازمانی بودن آنها، از همگنی سطح اجتماعی ساکنین برخوردار هستند که میزان عوامل مداخله‌گر را به حداقل می‌رساند. جامعه آماری انسانی تحقیق، کاربران استفاده‌کننده از فضاهای مجموعه‌های مسکونی سازمانی در شهر اهواز می‌باشد. به دلیل اینکه تعداد خانوارهای ساکن در مجموعه‌های مسکونی مورد مطالعه زیاد بوده و بررسی نظرات و جمع‌آوری اطلاعات مربوط به تک‌تک آنها امکان‌پذیر نمی‌باشد، برای محدود کردن حجم نمونه‌ها و سرعت بیشتر از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده است. شرح مختصری از نمونه مجموعه‌های مسکونی سازمانی انتخاب شده در این تحقیق، مطابق (شکل ۲) به صورت مفصل‌تر به شرح زیر آورده شده است؛

تملیل نمونه‌های انتخاب شده

نمونه اجرای مماسیه متغیرهای بُعد ادراکی-امساسی قلمروها

در این گام از پژوهش، روش پرسشنامه برای سنجش بُعد ادراکی قلمروها با کاربست نظریه قرارگاه رفتاری انتخاب گردیده است. لذا متغیرهای مربوط به بخش ادراکی قلمروهای محیطی با توجه به کاربست نظریه قرارگاه رفتاری، بوسیله پرسشنامه مورد سنجش قرار خواهند گرفت که بطور کامل به شرح زیر آورده شده‌اند؛

«هویت‌مندی فضا» بسنده شده است. بدین ترتیب، بخش عمده سنجش در این تحقیق بر شاخص‌های ادراکی-احساسی متمرکز گردید.

به بیان دیگر، شاخص‌های مورد استفاده در این پژوهش نه به صورت پراکنده، بلکه از دل یک مدل مفهومی مبتنی بر مبانی نظری و پیشینه روانشناسی محیطی و نیز با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص نمونه مورد مطالعه استخراج شده‌اند. این رویکرد سبب شد تا شاخص‌ها از یک پشتوانه نظری معتبر برخوردار باشند و همزمان قابلیت انطباق با شرایط زمینه‌ای پژوهش را داشته باشند.

ممدوده مورد مطالعه

به لحاظ بهتر آزمون مبانی فکری پژوهش، انتخاب نمونه‌های مجموعه مسکونی انتخاب شده که در الگوی طراحی آنها توجه به نظام فکری خاص، نوع طراحی محوطه و ایجاد تنوع در فضاهای باز و بسته، و تنوع در قلمروهای محیطی و کیفیات فضایی مطلوب، توجه شده است، در اولویت تحقیق می‌باشند. به گونه‌ای که ایجاد تنوعات در کیفیت محیط بیرونی و داخلی تفاوت معناداری را با یکدیگر ایجاد کند. این چهار نمونه موردی مجموعه‌ی مسکونی، با توجه به نظام فکری خاص و بر حسب بهره‌گیری از اصول معماری نوگرا و اصول معماری بومی، در دو دسته قابل تفکیک می‌باشند که سبب ایجاد تفاوت‌های کالبدی در آنها شده است. همچنین به لحاظ وسعت و تنوع در ارتفاع می‌توانند حاوی مضامین و مولفه‌های معماری و شهرسازی درخوری باشند که در سایر موارد مشابه قابلیت استفاده نیز داشته باشند. به

نتایج رگرسیون بین متغیرهای پژوهش

مطابق (جدول ۶) نتایج آزمون رگرسیون به روش Enter نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای مستقل (احساس امنیت، مالکیت ادراک‌شده، حس تعلق، خوانایی و هویت‌مندی قلمروهای محیطی از نظر فرهنگی) تأثیر معناداری بر شاخص‌های ادراکی-احساسی دارند. در بین متغیرهای مستقل، بیشترین ضریب بتای استاندارد شده مربوط به احساس امنیت $\beta = 1/634$ است که نشان‌دهنده تأثیر قوی این متغیر بر شاخص‌های ادراکی-احساسی می‌باشد. پس از آن، مالکیت ادراک‌شده $\beta = 1/454$ و حس تعلق $\beta = 1/317$ نیز تأثیرات مهمی دارند. سایر متغیرها نیز اثرات قابل توجهی دارند، به‌ویژه خوانایی $\beta = 1/219$ و هویت‌مندی قلمروهای محیطی از نظر فرهنگی $\beta = 0/800$ که همگی تأثیر معناداری بر متغیر وابسته دارند. به‌طور کلی، این نتایج نشان می‌دهد که احساس امنیت، مالکیت ادراک‌شده، حس تعلق، خوانایی و هویت‌مندی قلمروهای محیطی از نظر فرهنگی، همگی به شکل معناداری بر شاخص‌های ادراکی-احساسی تأثیر دارند و نقش مهمی در بهینه‌سازی طراحی ایفا می‌کنند.

یافته‌ها

نتایج حاصل از پرسشنامه احساس امنیت قلمروها

مطابق (نمودار ۱) بر اساس مقایسه شاخص‌های احساس امنیت در چهار منطقه شهر اهواز (نیشکر، گیت بوستان، کوی استادان و شهرک نویت)، می‌توان گفت که گیت بوستان در بسیاری از شاخص‌ها وضعیت بهتری نسبت به سایر مناطق دارد. این منطقه با ۸۸ درصد بیشترین میزان تأثیرگذاری تفکیک فضاهای عمومی و سلسله‌مراتب بر امنیت را

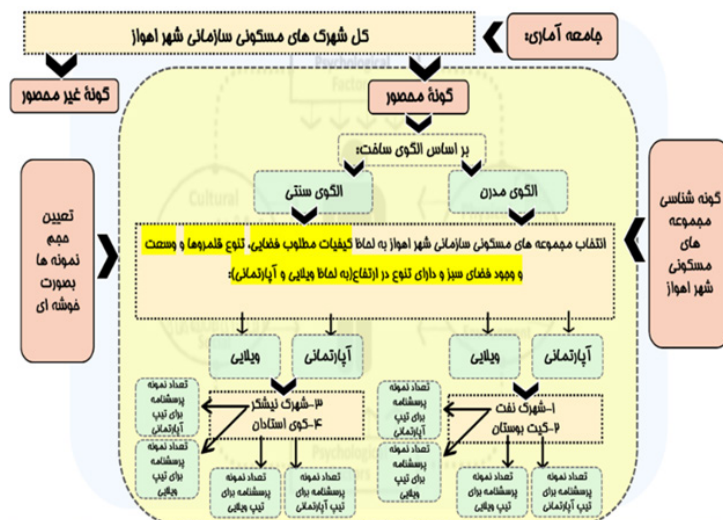
تدوین پرسشنامه برای بُعد ادراکی شاخص‌های قلمرو با استفاده از کاربست عناصر قرارگاه‌های رفتاری:

با توجه به شاخص‌های ذکر شده در جداول بالا، برای سنجش بُعد ادراکی شاخص‌های قلمروهای محیطی، سوالات پرسشنامه بوسیله کاربست عناصر نظریه قرارگاه رفتاری تدوین شده است، که این عناصر شامل چهار بخش هستند و سوالات کلی پرسشنامه نیز در چهار بخش دسته‌بندی شده است. سپس به هر شاخص از شاخص‌های بُعد ادراکی قلمروهای محیطی، بر اساس این ۴ سوال پاسخ داده خواهد شد، در واقع هر کدام از این شاخص‌ها، یک پرسشنامه مختص خود را دارا هستند. به این ترتیب مجموع هر شاخص برای ۴ نوع شهرک مسکونی بدست می‌آید. همانگونه که قبلاً ذکر شد، به لحاظ همگنی اجتماعی در این مجموعه‌های مسکونی سازمانی، از لحاظ کردن شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی صرف نظر شده است و لذا، به جهت سنجش هویت‌مندی قلمروهای محیطی، فقط شاخص هویت‌مندی به شرح زیر مطابق (شکل ۳) مطرح گردیده است:

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

روایی و پایایی پرسشنامه

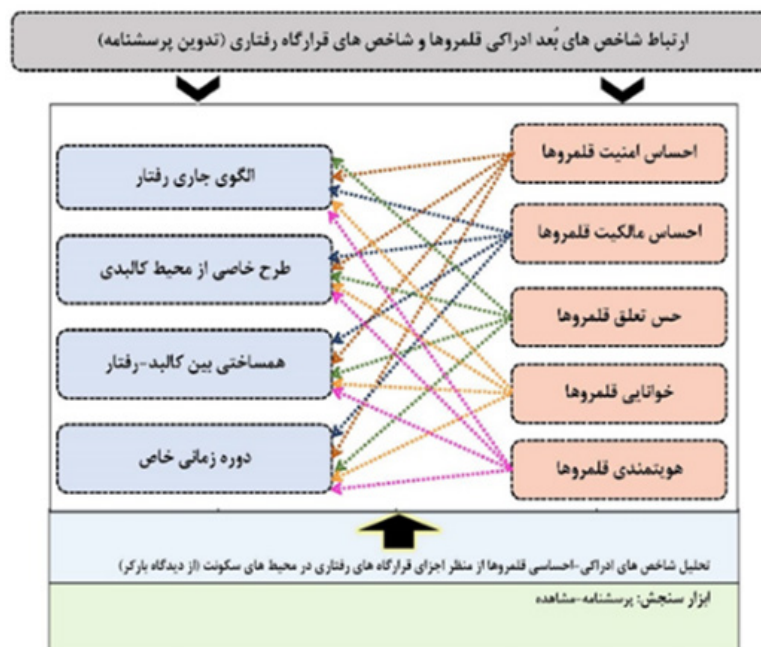
با توجه به مقدار ضریب CVI برای هر متغیر، مطابق (جدول ۴) می‌توان بیان نمود که پرسشنامه‌ها از روایی سازه، صوری و محتوایی مناسبی برخوردارند. همچنین، مطابق (جدول ۵) با توجه به اینکه آلفای کرونباخ برای تمام پرسشنامه‌ها از ۰/۸۰ بالاتر است پس پرسشنامه‌ها از پایایی مناسبی برخوردار هستند.



شکل ۲. انتخاب نمونه‌های مجموعه‌های مسکونی
Figure 2. Selection of Residential Complex Samples

شاخص تفکیک فضاهای عمومی و سلسله‌مراتب، ۶۰ درصد در ترجیح استفاده از جداره‌های سخت، و ۵۸ درصد در تأثیر حضور ساکنان در فضاهای عمومی، وضعیت پایین‌تری در مقایسه با دیگر مناطق دارد و در تأثیر نورپردازی شبانه نیز با ۴۰ درصد مخالفت نشان داده است. بنابراین، بر اساس این شاخص‌ها، گیت بوستان در وضعیت بهتری از نظر احساس امنیت قرار دارد.

دارد و همچنین ۸۲ درصد ساکنان آن ترجیح می‌دهند از جداره‌های سخت مانند دیوار آجری برای تفکیک فضا استفاده شود. علاوه بر این، حضور ساکنان در فضاهای عمومی نیز برای ۸۲ درصد از پاسخ‌دهندگان به عنوان عامل مؤثر در تقویت امنیت مطرح است. در شاخص تأثیر نورپردازی شبانه بر امنیت، گیت بوستان بیشترین میزان مخالفت را با ۴۲ درصد دارد. در مقابل، شهرک نفت با ۶۸ درصد در



شکل ۳. ارتباط شاخص‌های بعد ادراکی قلمروها و شاخص‌های قرارگاه رفتاری

Figure 3. Relationship Between Perceptual Dimension Indicators of Territories and Behavioral Setting Indicators

جدول ۴. روایی صوری، محتوا و سازه متغیرهای پرسشنامه

Table 4. Face, Content, and Construct Validity of the Questionnaire Variables

پرسشنامه	روایی سازه	روایی صوره	روایی محتوا
احساس امنیت	۰/۸۵	۰/۹	۰/۸۸
مالکیت ادراک شده	۰/۸	۰/۸۵	۰/۸۳
حس تعلق	۰/۹	۰/۹۲	۰/۹۱
خوانایی	۰/۸۲	۰/۸۷	۰/۸۵
هویت‌مندی قلمروهای محیطی از نظر فرهنگی	۰/۸۲	۰/۸۹	۰/۸۶

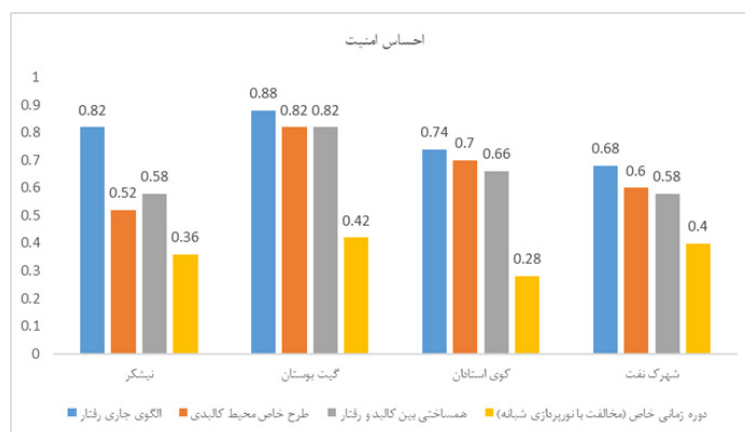
جدول ۵. پایایی (آلفای کرونباخ) متغیرهای پرسشنامه
Table 5. Reliability (Cronbach's Alpha) of the Questionnaire Variables

پرسشنامه	پایایی	پایایی کل
احساس امنیت	۰/۸۵	۰/۸۴
مالکیت ادراک شده	۰/۸	۰/۸۶
حس تعلق	۰/۹	۰/۸۹
خوانایی	۰/۸۲	۰/۸۴
هویت‌مندی قلمروهای محیطی از نظر فرهنگی	۰/۸۴	۰/۸۷

جدول ۶. آزمون رگرسیون Enter بین شاخص‌های پژوهش
Table 6. Enter Regression Test between the Research Indicators

Coefficients ^a					
	Unstandardized Coefficients			t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
(Constant)	۷/۸۷۶	۰/۸۲۲		۹/۵۸۶	۰/۰۰۰
احساس امنیت	۱/۴۳۱	۰/۰۷۸	۱/۶۳۴	۱۸/۲۷۹	۰/۰۰۰
مالکیت ادراک شده	۱/۳۱۷	۰/۱۰۰	۱/۴۵۴	۱۳/۱۵۴	۰/۰۰۰
حس تعلق	۱/۵۱۹	۰/۴۹	۱/۳۱۷	۱۴/۵۸۹	۰/۰۰۰
خوانایی	۱/۱۷۳	۰/۴۴	۱/۲۱۹	۱۳/۲۳۹	۰/۰۰۰
هویت‌مندی قلمروهای محیطی از نظر فرهنگی	۰/۷۲۱	۰/۵۱	۰/۸۰۰	۱۴/۱۶۵	۰/۰۰۰

a. Dependent Variable: شاخص‌های ادراکی-احساسی



نمودار ۱. مقایسه شاخص‌های احساس امنیت در چهار شهرک مسکونی شهر اهواز
Chart 1. Comparison of Security Feeling Indicators in Four Residential Complexes of Ahvaz City

مختلف بر احساس تعلق مکانی تأثیر دارند. در مقایسه، نیشکر به طور متوسط ۶۶ درصد از افراد رضایت داشتند و ۵۶ درصد تنوع رنگ و مصالح را مؤثر می‌دانند. کوی استادان با ۶۴ درصد افراد در زمینه تنوع رنگ و مصالح و ۶۴ درصد تمایل به طراحی‌های سنتی، در جایگاه میانه قرار دارد. شهرک نفت نیز با ۶۰ درصد تمایل به تنوع رنگ و مصالح و ۵۸ درصد ترجیح به طراحی‌های سنتی، حس تعلق نسبتاً بهتری نسبت به نیشکر و کوی استادان را ایجاد کرده است، ولی در کل از نظر شاخص‌های مربوط به طراحی و سبک‌های معماری، گیت بوستان بهترین وضعیت را دارد.

نتایج حاصل از پرسشنامه فوآنایی قلمروها

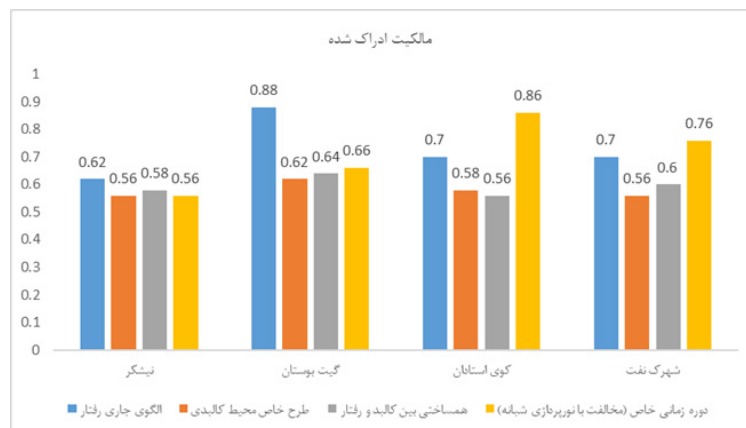
مطابق (نمودار ۴) در تحلیل شاخص خوانایی در مناطق مختلف، کوی استادان از نظر قابلیت شناسایی ورودی خانه‌ها با ۵۴ درصد بیشترین رضایت را از نظر شناسایی ورودی‌ها از خیابان‌های اطراف دارد. همچنین ۹۰ درصد از افراد در این منطقه ترجیح می‌دهند که مرز بین فضاهای خصوصی و عمومی با تغییر سطح (پله) طراحی شود، که این امر به وضوح فضاها کمک می‌کند. ۵۴ درصد از پاسخ‌دهندگان به تأثیر رنگ در نمای ساختمان‌ها برای شناسایی فضاها اشاره کرده‌اند. در مقایسه، گیت بوستان با ۴۲ درصد در شناسایی ورودی‌ها از خیابان‌های اطراف و ۸۸ درصد تمایل به طراحی مرزها با تغییر سطح در جایگاه بالاتری نسبت به نیشکر و شهرک نفت قرار دارد. شهرک نفت نیز با ۴۰ درصد شناسایی ورودی‌ها و ۵۶ درصد ترجیح به طراحی مرزها با تغییر سطح، پایین‌ترین تمایل را در زمینه خوانایی دارد. در مجموع، کوی استادان به دلیل بالاترین درصد رضایت از شناسایی ورودی‌ها و طراحی مرزهای خصوصی و عمومی، بهترین وضعیت را از نظر شاخص خوانایی دارد.

نتایج حاصل از پرسشنامه مالکیت ادراک شده قلمروها

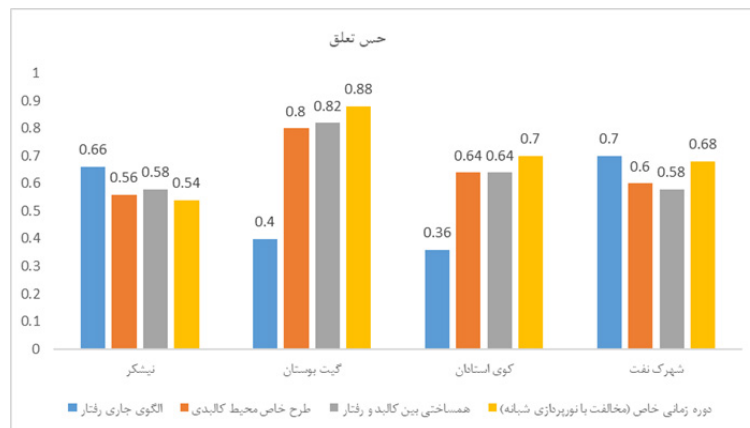
مطابق (نمودار ۲) با توجه به مقایسه شاخص‌های مالکیت ادراک شده در مناطق مختلف شهر اهواز (نیشکر، گیت بوستان، کوی استادان و شهرک نفت)، به نظر می‌رسد که گیت بوستان در این زمینه وضعیت بهتری دارد. در این منطقه، ۸۸ درصد از افراد شخصی‌سازی فضای بیرونی را عامل مهمی در ایجاد تمایز و کنترل محیط می‌دانند، که بالاترین درصد را در بین مناطق نشان می‌دهد. همچنین ۶۴ درصد معتقدند که استفاده از عناصر طبیعی و پوشش گیاهی خاص، احساس مالکیت فضایی را افزایش می‌دهد. در مقابل، نیشکر و کوی استادان نیز به ترتیب ۶۲ درصد و ۷۰ درصد افراد شخصی‌سازی فضای بیرونی را مهم می‌دانند. در حالی که در شهرک نفت، اگرچه ۷۰ درصد شخصی‌سازی را مهم می‌دانند، ولی استفاده از عناصر طبیعی و گیاهی به اندازه گیت بوستان مؤثر نبوده و ۷۶ درصد معتقدند که استیجاری بودن خانه تأثیری بر احساس مالکیت فضایی ندارد. در مجموع، گیت بوستان بیشترین اهمیت را به شخصی‌سازی فضای بیرونی می‌دهد و از این جهت در وضعیت بهتری نسبت به دیگر مناطق قرار دارد.

نتایج حاصل از پرسشنامه مس تعلق قلمروها

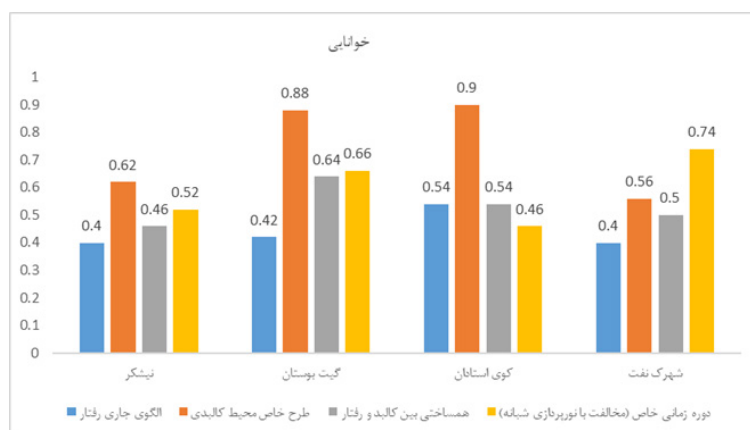
مطابق (نمودار ۳) با توجه به شاخص‌های حس تعلق در مناطق مختلف شهر اهواز (نیشکر، گیت بوستان، کوی استادان و شهرک نفت)، منطقه گیت بوستان بیشترین تمایل به افزایش حس تعلق در فضاهای عمومی و خصوصی را دارد. در این منطقه، ۸۰ درصد افراد تنوع رنگ و مصالح را راهی برای افزایش حس تعلق می‌دانند و ۸۲ درصد ترجیح می‌دهند که طراحی‌های سنتی و متقارن استفاده شوند. همچنین، ۸۸ درصد معتقدند که سبک‌های معماری در دوره‌های



نمودار ۲. مقایسه شاخص‌های مالکیت ادراک شده در چهار شهرک مسکونی شهر اهواز
Chart 2. Comparison of Perceived Ownership Indicators in Four Residential Complexes of Ahvaz City



نمودار ۳. مقایسه شاخص‌های حس تعلق در چهار شهرک مسکونی شهر اهواز
Chart 3. Comparison of Sense of Belonging Indicators in Four Residential Complexes of Ahvaz City

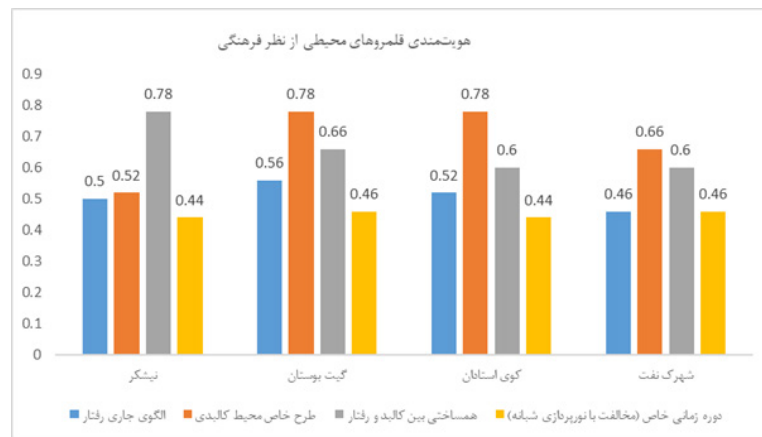


نمودار ۴. مقایسه شاخص‌های خوانایی در چهار شهرک مسکونی شهر اهواز
Chart 4. Comparison of Legibility Indicators in Four Residential Complexes of Ahvaz City

نتایج حاصل از پرسشنامه هویت‌مندی قلمروها

مصالح بومی نیز ۷۸ درصد از پاسخ‌دهندگان را جذب کرده است. در نیشکر، تأثیر استفاده از عناصر فرهنگی بر هویت‌مندی فضاها به نظر کمتر مشهود است، زیرا ۵۲ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقدند که استفاده از این عناصر نمی‌تواند هویت‌مندی فضا را تقویت کند. همچنین، در طراحی فضاها، ۶۶ درصد تمایل به استفاده از تزیینات معماری سنتی با مصالح بومی دارند. در نهایت، در شهرک نفت، ۴۶ درصد معتقدند که استفاده از عناصر فرهنگی نمی‌تواند هویت‌مندی فضا را تقویت کند و ۴۴ درصد معتقدند که الگوهای فضایی می‌توانند به طور متوسط هویت‌مندی را در خاطر ایجاد کنند. در این منطقه نیز، طراحی درونگرا با حیاط مرکزی برای افزایش احساس هویت جمعی مورد توجه ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان قرار گرفته است. خلاصه نتایج شاخص‌های امنیت، مالکیت، حس تعلق، خوانایی و هویت‌مندی در چهار شهرک مسکونی منتخب در (جدول ۷) ارائه شده است.

مطابق (نمودار ۵) در شاخص هویت‌مندی قلمروهای محیطی از نظر فرهنگی، نتایج نشان می‌دهد که در گیت بوستان، ۵۶ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقدند که استفاده از عناصر فرهنگی می‌تواند هویت‌مندی فضا را به طور متوسط تقویت کند. در همین راستا، ۷۸ درصد به استفاده از تزیینات معماری سنتی در نماها با مصالح بومی تمایل دارند که این نشان‌دهنده اهمیت فرهنگی در طراحی فضاها است. همچنین ۶۶ درصد از افراد در این منطقه به تأثیر طراحی درونگرا با حیاط مرکزی بر افزایش احساس هویت جمعی اشاره کرده‌اند. در کوی استادان، گرایش مشابهی مشاهده می‌شود، به‌طوری‌که ۵۲ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقدند که استفاده از عناصر فرهنگی می‌تواند هویت‌مندی فضا را به طور متوسط تقویت کند، اما ۶۰ درصد به تأثیر طراحی درونگرا با حیاط مرکزی در افزایش احساس هویت جمعی اشاره دارند. استفاده از تزیینات سنتی در نماهای با



نمودار ۵. مقایسه شاخص‌های هویت‌مندی در چهار شهرک مسکونی شهر اهواز
Chart 5. Comparison of Identity Indicators in Four Residential Complexes of Ahvaz City

جدول ۷. نتایج شاخص‌های امنیت، مالکیت، حس تعلق، خوانایی و هویت‌مندی در چهار شهرک مسکونی منتخب
Table 7. Results of the indices of security, ownership, sense of belonging, legibility, and identity in the four selected residential complexes.

شاخص	نیشکر	گیت بوستان	کوی استادان	شهرک نفت
احساس امنیت	نتایج نشان داد که تفکیک فضاهای عمومی و سلسله‌مراتب در ایجاد امنیت مهم است (۸۲٪)، جداره‌های سخت برای تفکیک فضا ترجیح داده می‌شوند (۵۲٪)، حضور ساکنان در فضاهای عمومی امنیت را تقویت می‌کند (۵۸٪) و نورپردازی شبانه کمتر تأثیر گذار ارزیابی شد (۳۶٪ مخالف).	نتایج نشان داد که تفکیک فضاهای عمومی و سلسله‌مراتب در ایجاد امنیت مهم است (۸۸٪)، جداره‌های سخت برای تفکیک فضا ترجیح داده می‌شوند (۸۲٪)، حضور ساکنان در فضاهای عمومی امنیت را تقویت می‌کند (۸۲٪) و نورپردازی شبانه تأثیر کمتری دارد (۴۲٪ مخالف).	نتایج نشان داد که تفکیک فضاهای عمومی و سلسله‌مراتب در ایجاد امنیت مهم است (۷۴٪)، جداره‌های سخت برای تفکیک فضا ترجیح داده می‌شوند (۷۰٪)، حضور ساکنان در فضاهای عمومی امنیت را تقویت می‌کند (۶۶٪) و نورپردازی شبانه تأثیر کمتری دارد (۲۸٪ مخالف).	نتایج نشان داد که تفکیک فضاهای عمومی و سلسله‌مراتب در ایجاد امنیت مهم است (۶۸٪)، جداره‌های سخت برای تفکیک فضا ترجیح داده می‌شوند (۶۰٪)، حضور ساکنان در فضاهای عمومی امنیت را تقویت می‌کند (۵۸٪) و نورپردازی شبانه تأثیر کمتری دارد (۴۰٪ مخالف).

ادامه جدول ۷. نتایج شاخص‌های امنیت، مالکیت، حس تعلق، خوانایی و هویت‌مندی در چهار شهرک مسکونی منتخب
Continue of Table 7. Results of the indices of security, ownership, sense of belonging, legibility, and identity in the four selected residential complexes.

شاخص	نیشکر	گیت بوستان	کوی استادان	شهرک نفت
مالکیت ادراک شده	نتایج نشان داد که شخصی‌سازی فضای بیرونی نقش مهمی در کنترل و تمایز محیط دارد (۶۲٪)، تفکیک عرصه بیرونی با درب ترجیح داده می‌شود (۵۶٪)، استفاده از نرده، رنگ و تغییر ابعاد درب احساس مالکیت را افزایش می‌دهد (۵۸٪) و استیجاری بودن خانه تأثیر قابل توجهی بر مالکیت فضایی ندارد (۵۶٪).	نتایج نشان داد که شخصی‌سازی فضای بیرونی نقش مهمی در تمایز و کنترل محیط دارد (۸۸٪)، تفکیک عرصه بیرونی بدون درب ترجیح داده می‌شود (۶۲٪)، استفاده از عناصر طبیعی و پوشش گیاهی احساس مالکیت فضایی را افزایش می‌دهد (۶۴٪) و استیجاری بودن خانه تأثیر قابل توجهی بر مالکیت فضایی ندارد (۶۶٪).	نتایج نشان داد که شخصی‌سازی فضای بیرونی در ایجاد تمایز و کنترل محیط مهم است (۷۰٪)، تفکیک عرصه بیرونی با درب برای حفظ حریم مالکیت ترجیح داده می‌شود (۵۸٪)، استفاده از نرده، رنگ و تغییر ابعاد درب احساس مالکیت فضایی را افزایش می‌دهد (۵۶٪) و استیجاری بودن خانه تأثیر قابل توجهی بر مالکیت فضایی ندارد (۷۶٪).	نتایج نشان داد که شخصی‌سازی فضای بیرونی نقش مهمی در کنترل محیط دارد (۷۰٪)، تفکیک عرصه بیرونی بدون درب ترجیح داده می‌شود (۵۶٪)، استفاده از نرده، رنگ و تغییر ابعاد درب احساس مالکیت فضایی را افزایش می‌دهد (۶۰٪) و استیجاری بودن خانه تأثیر قابل توجهی بر مالکیت فضایی ندارد (۷۶٪).
حس تعلق	نتایج نشان داد که طراحی پنجره‌ها و بالکن‌ها رضایت‌بخش است (۶۶٪)، تنوع رنگ و مصالح حس تعلق در عرصه‌های بیرونی را افزایش می‌دهد (۵۶٪)، طراحی‌های سنتی و متقارن ترجیح داده می‌شوند (۵۸٪) و سبک‌های معماری در دوره‌های مختلف بر احساس تعلق مکانی تأثیر دارند (۵۴٪).	نتایج نشان داد که ۴۰٪ از افراد از طراحی پنجره‌ها و بالکن‌ها رضایت داشتند، ۸۰٪ تنوع رنگ و مصالح را در افزایش حس تعلق موثر دانستند، ۸۲٪ طراحی‌های سنتی و متقارن را ترجیح دادند و ۸۸٪ معتقد بودند که سبک‌های معماری در دوره‌های مختلف بر احساس تعلق مکانی تأثیر دارند.	نتایج نشان داد که ۳۶٪ از افراد از طراحی پنجره‌ها و بالکن‌ها رضایت داشتند، ۶۴٪ تنوع رنگ و مصالح را در افزایش حس تعلق موثر دانستند، ۶۴٪ طراحی‌های سنتی و متقارن را ترجیح دادند و ۷۰٪ معتقد بودند که سبک‌های معماری در دوره‌های مختلف بر احساس تعلق مکانی تأثیر دارند.	نتایج نشان داد که ۷۰٪ از افراد از طراحی پنجره‌ها و بالکن‌ها رضایت داشتند، ۶۰٪ تنوع رنگ و مصالح را در افزایش حس تعلق موثر دانستند، ۵۸٪ طراحی‌های سنتی و متقارن را ترجیح دادند و ۶۸٪ معتقد بودند که سبک‌های معماری در دوره‌های مختلف بر احساس تعلق مکانی تأثیر دارند.
خوانایی	نتایج نشان داد که ۴۰٪ معتقد بودند ورودی خانه‌ها به طور متوسط از خیابان‌ها قابل شناسایی است، ۶۲٪ طراحی مرز بین فضاهای خصوصی و عمومی با تغییر سطح (پله) را ترجیح دادند، ۴۶٪ رنگ در نما را برای تشخیص آسان فضاها مؤثر دانستند و ۵۲٪ تفاوت وضوح فضایی بین سبک‌های مدرن و سنتی را متوسط ارزیابی کردند.	نتایج نشان داد که ۴۲٪ ورودی خانه‌ها را به وضوح از خیابان قابل شناسایی دانستند، ۸۸٪ طراحی مرز بین فضاهای خصوصی و عمومی با تغییر سطح (پله) را ترجیح دادند، ۶۴٪ رنگ در نما را برای تشخیص مرزها مؤثر دانستند و ۶۶٪ تفاوت وضوح فضایی بین سبک‌های مدرن و سنتی را متوسط ارزیابی کردند.	نتایج نشان داد که ۵۴٪ معتقد بودند ورودی خانه‌ها به طور متوسط از خیابان‌ها قابل شناسایی است، ۹۰٪ طراحی مرز بین فضاهای خصوصی و عمومی با تغییر سطح (پله) را ترجیح دادند، ۵۴٪ رنگ در نما را برای تشخیص آسان فضاها مؤثر دانستند و ۴۶٪ تفاوت وضوح فضایی بین سبک‌های مدرن و سنتی را متوسط ارزیابی کردند.	نتایج نشان داد که ۴۰٪ معتقد بودند ورودی خانه‌ها به طور بسیار زیاد از خیابان قابل شناسایی است، ۵۶٪ طراحی مرز بین فضاهای خصوصی و عمومی با تغییر سطح (پله) را ترجیح دادند، ۵۰٪ رنگ در نما را برای تشخیص آسان فضاها مؤثر دانستند و ۷۴٪ تفاوت وضوح فضایی بین سبک‌های مدرن و سنتی را متوسط ارزیابی کردند.
هویت‌مندی قلمروهای محیطی از نظر فرهنگی	نتایج نشان داد که ۵۰٪ معتقدند استفاده از عناصر فرهنگی هویت‌مندی فضا را به طور متوسط تقویت می‌کند، ۵۲٪ نماهای ساده و مینیمالیستی را برای هویت‌مندی ترجیح می‌دهند، ۷۸٪ طراحی درونگرا با حیاط مرکزی را در افزایش احساس هویت جمعی مؤثر دانستند و ۴۴٪ معتقدند الگوهای فضایی به تنهایی نمی‌توانند هویت‌مندی را تثبیت کنند.	نتایج نشان داد که ۵۶٪ معتقدند استفاده از عناصر فرهنگی هویت‌مندی فضا را به طور متوسط تقویت می‌کند، ۷۸٪ تمایل به استفاده از تزیینات معماری سنتی با مصالح بومی دارند، ۶۶٪ طراحی درونگرا با حیاط مرکزی را در افزایش هویت جمعی مؤثر دانستند و ۴۶٪ معتقدند الگوهای فضایی می‌توانند هویت‌مندی را در ذهن تثبیت کنند.	نتایج نشان داد که ۵۲٪ معتقدند استفاده از عناصر فرهنگی به‌تنهایی هویت‌مندی فضا را تقویت نمی‌کند، ۷۸٪ تمایل به استفاده از تزیینات معماری سنتی با مصالح بومی دارند، ۶۰٪ طراحی درونگرا با حیاط مرکزی را در افزایش هویت جمعی مؤثر دانستند و ۴۴٪ معتقدند الگوهای فضایی می‌توانند هویت‌مندی را در ذهن تثبیت کنند.	نتایج نشان داد که ۴۶٪ معتقدند استفاده از عناصر فرهنگی به‌تنهایی هویت‌مندی فضا را تقویت نمی‌کند، ۶۶٪ تمایل به استفاده از تزیینات معماری سنتی با مصالح بومی دارند، ۶۰٪ طراحی درونگرا با حیاط مرکزی را در افزایش هویت جمعی مؤثر دانستند و ۴۶٪ معتقدند الگوهای فضایی به طور متوسط می‌توانند هویت‌مندی را در ذهن تثبیت کنند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که کیفیت ادراک و تجربه قلمروهای محیطی در شهرک‌های سازمانی اهواز تفاوت‌های معناداری دارد. در این میان، شهرک گیت‌بوستان در شاخص‌های ادراکی-احساسی مانند احساس امنیت، مالکیت ادراک‌شده، حس تعلق و هویت‌مندی فرهنگی عملکرد بهتری نسبت به سایر شهرک‌ها داشت. تفکیک روشن قلمرو خصوصی و عمومی، امکان شخصی‌سازی فضاهای بیرونی و بهره‌گیری از عناصر هویتی و فرهنگی محلی از جمله عواملی بوده‌اند که این شهرک را از سایرین متمایز کرده‌اند. همچنین در شاخص خوانایی، کوی استادان به دلیل وضوح ورودی‌ها و مرزبندی‌های کالبدی توانست وضعیت مطلوب‌تری به دست آورد. در مقابل، شهرک نفت و نیشکر به دلیل تأکید بیشتر بر طراحی‌های مدرن و ضعف در مرزبندی فضایی، مقادیر پایین‌تری در امنیت و حس تعلق نشان دادند. این نتایج به‌خوبی گویای آن است که پیوند میان طراحی کالبدی و ادراکات روانشناختی ساکنان نقشی کلیدی در کیفیت قلمروهای محیطی دارد.

به‌طور کلی، برآیند نتایج بیانگر این است که وجود مرزهای خوانا و شفاف، تقویت نشانه‌های هویتی بومی، و ایجاد فرصت برای نظارت و حضور اجتماعی ساکنان، سه محور اصلی در ارتقای کیفیت قلمروهای محیطی هستند. چنین عواملی نه تنها به افزایش احساس امنیت و تعلق منجر می‌شوند، بلکه امکان کنترل بیشتر ساکنان بر فضا را نیز فراهم می‌آورند. بنابراین، طراحی محیط‌های مسکونی در بافت‌های متراکم و سازمانی باید بر مبنای همین سه مؤلفه کلیدی هدایت شود. از منظر موضوعی، این تحقیق به‌طور نوآورانه به تحلیل قلمروهای محیطی از لنز روانشناسی محیطی پرداخته و بعد رفتاری قلمروها را در قالب قرارگاه رفتاری تبیین کرده است. نوآوری دیگر در هم‌نهادی شاخص‌های ادراکی قلمرو با شاخص‌های قرارگاه رفتاری است، به‌گونه‌ای که امکان سنجش و تحلیل تجربیات ذهنی و احساسی ساکنان فراهم شده است؛ امری که در اغلب پژوهش‌های پیشین به‌طور مستقیم مورد توجه قرار نگرفته بود.

از منظر بافتی، انتخاب چهار شهرک سازمانی در اهواز که دارای تنوع سبکی (بومی-مدرن)، تنوع قلمرویی، اختلاف سطح و ارتفاع و کیفیت‌های فضایی متفاوت هستند، وجهی بدیع به پژوهش بخشیده است. این بافت خاص تاکنون از منظر قلمرو مورد بررسی قرار نگرفته بود و واکاوی آن با رویکرد روانشناسی محیطی می‌تواند به پرکردن خلأ موجود در ادبیات موضوع کمک کند.

از منظر روشی نیز این تحقیق نوآوری دارد، چرا که شاخص‌های قرارگاه رفتاری با استفاده از پرسشنامه تصویری و ساختارمند، مبتنی بر شاخص‌های بعد رفتاری قلمروها سنجیده شدند. این روش هم

امکان برانگیختن ادراک بصری ساکنان را فراهم کرده و هم خطاهای ناشی از برداشت صرفاً کلامی را کاهش داده است. علاوه بر این، استخراج شاخص‌ها بر اساس مدل مفهومی سلسله‌مراتبی و تعدیل آن متناسب با همگنی اجتماعی نمونه‌ها، ارزش افزوده‌ای به روش‌شناسی تحقیق بخشیده است.

در مقایسه با تحقیقات مشابه، این پژوهش فراتر از بررسی‌های کلی درباره الگوهای رفتاری در فضاهای شهری رفته و به تبیین رابطه میان طراحی کالبدی، ادراک روانشناختی و رفتار ساکنان پرداخته است. نتایج آن نشان می‌دهد که ترکیب سه مؤلفه‌ی مرزبندی شفاف، نشانه‌های هویتی بومی و حضور اجتماعی می‌تواند چارچوبی کارآمد برای ارتقای امنیت، تعلق و مالکیت ادراک‌شده فراهم آورد. این چارچوب مشخص، از توصیه‌های کلی و پراکنده‌ی تحقیقات پیشین فراتر رفته و مسیر عملی‌تری برای طراحی محیط‌های مسکونی سازمانی پیشنهاد می‌کند.

به این ترتیب، دستاوردهای این تحقیق نه تنها برای ارتقای کیفیت زندگی در شهرک‌های سازمانی اهواز، بلکه برای بافت‌های مشابه در سایر شهرها نیز قابلیت تعمیم دارد و می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های طراحی شهری قلمرو محور مورد استفاده قرار گیرد.

پی‌نوشت

1. Roger Barker
2. Eco-Behavioral Science
3. The structured, homeostatic, coersive. Behavior setting that people inhabit
4. Synomorphic
5. Standing Pattern of Behavior
6. Lefebvre
7. Biddulph
8. Validity
9. Snowball method
10. Reliability

نقش نویسندگان

این مقاله برگرفته از بخشی از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «تبیین چارچوب قلمروهای محیطی بر پایه تفسیر قرارگاه‌های رفتاری کاربران (پژوهش موردی: مجموعه‌های مسکونی سازمانی شهر اهواز)» به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز است.

تعارض منافع نویسندگان

نویسندگان به طور کامل از اخلاق نشر تبعیت کرده و از هرگونه سرقت ادبی، سوء رفتار، جعل داده‌ها و یا ارسال و انتشار دوگانه، پرهیز نموده‌اند و منافعی تجاری در این راستا وجود ندارد و نویسندگان در قبال ارائه اثر خود وجهی دریافت ننموده‌اند.

تقدیر و تشکر

پژوهش حامی مالی و معنوی نداشته است. از کمک‌های اساتید گرامی راهنما و استاد مشاور محترم در جهت انجام پژوهش فوق، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

فهرست مراجع

۱. امین‌زاده، بهرام. (۱۳۸۶). «بازشناسی اثر آیین‌های جمعی بر پیکربندی شهر سنتی». هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، شماره ۳۲: ۵-۱۴.
۲. بحرینی، سیدحسین؛ تاج بخش، گلناز. (۱۳۷۸). مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن، نشریه هنرهای زیبا، ۶، ۱۸-۳۱.
۳. بهزادفر، مصطفی؛ مطلبی، قاسم؛ همدانی گلشن، حامد. (۱۳۹۸). تدوین یک چارچوب نظری ترکیبی از بر هم کنش نحو فضا و قرارگاه‌های رفتاری به منظور مقایسه الگوهای رفتاری-حرکتی در محیط‌های مسکونی: مورد کاوی نارمک، یوسف آباد و شهرک غرب، دانش شهرسازی، (۴)، ۹۱-۱۱۰.
۴. تاج‌بخش، گلناز. (۱۳۸۳). «والتر بنیامین: دگرگونی تجربه و خاطره در عصر جدید و کلان‌شهر مدرن». هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، شماره ۲۰: ۵-۱۶.
۵. تفکر، ثریا؛ شاهچراغی، آزاده؛ و حبیب، فرح. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی معماری بازار تاریخی تجریش و مرکز خرید ارگ تهران بر اساس نظریه سینومرفی (هم ساختی کالبد-رفتار). مطالعات معماری ایران، ۱۶(۱۰۵).
۶. حاجی آقابرگ، آمنه؛ چرخچیان، مریم؛ قبادیان، وحید. (۱۴۰۰). قرارگاه فضای میانی در مجتمع‌های مسکونی تهران به منظور ارتقاء میزان دل‌بستگی ساکنان، علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۲۳، ۳۷-۵۰.
۷. جعفری، مزده. (۱۴۰۱). طراحی بر پایه قرارگاه‌های رفتاری (راهبردهای طراحی خوابگاه دانشجویی بر اساس تحلیل قرارگاه‌های رفتاری). قزوین: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۸. جم، فاطمه؛ محمدی، مریم. (۱۳۹۶). امنیت زنان و قلمروگرایی در محله ای مسکونی. هفت شهر (۵۸-۵۷)؛ ۱۷۵-۲۷۹.

۹. دژدار، امید؛ طلیسچی، غلامرضا؛ روحی دهکردی، رحمان. (۱۳۹۱). بازشناسی مفهوم قرارگاه‌های رفتاری مروری بر تعاریف و ویژگی‌های قرارگاه رفتاری با تأکید بر مرور تحلیلی متن شوگن، مطالعات محیطی هفت حصار، ۱، ۱۳-۲۰.
۱۰. ذاکرانی، امیر. (۱۳۹۵). طراحی پرگولای شهری با هدف ایجاد تغییر در الگوهای رفتاری گذر از خیابان، دستاورد، ۲۶(۳۴)، ۱۶-۲۳.
۱۱. شاهچراغی، آزاده؛ بندرآباد، علیرضا. (۱۳۹۹). محاط در محیط: کاربرد روان‌شناسی محیطی در معماری و شهرسازی. تهران: انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی تهران.
۱۲. شریعتی، سارا؛ خاک زند، مهدی؛ البرزی، فریبا. (۱۴۰۰). بررسی خلوت قرارگاه‌های رفتاری در سکونتگاه‌های دانشجویی شهر قزوین براساس همساختی (رفتار- کالبد) (مطالعه موردی: سکونتگاه‌های دانشجویی لاله و نرگس دانشگاه آزاد اسلامی قزوین). نشریه علمی مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۲، ۴۱۹-۴۳۸.
۱۳. شفیعی، سعید. (۱۳۹۳). طراحی مجتمع مسکونی در رشت تاملی پیرامون انطباق قلمرو ذهنی و عینی در مجتمع‌های مسکونی. پایان نامه کارشناسی ارشد معماری. دانشکده هنر و معماری.
۱۴. شعبانی، محمد مهدی؛ منصوری، امیر. (۱۴۰۰). بررسی مفهوم قلمرو کوچه به عنوان یک عنصر فرهنگی در محلات ایرانی. مجله گردشگری فرهنگ، ۲(۵)، ۲۹-۳۶.
۱۵. شولتز، کریستیان نوربرگ. (۱۳۹۳). وجود، فضا و معماری، ترجمه ویدا نوروز برازجانی. تهران: پرهام نقش، چاپ اول.
۱۶. عینی‌فر، علیرضا؛ آقالطیفی، آزاده؛ و حیاتی، زینب. (۱۳۹۹). سیر تحول قلمروهای ثانویه، در درون خانه‌های دزفول. فصلنامه علمی صفا، ۹۱، ۲۷-۴۸.
۱۷. عینی‌فر، علیرضا؛ و فلاح، الهام. (۱۳۹۶). قلمرو در مسکن حاشیه کویری ایران (مطالعه موردی: محدوده قلمروها در مسکن سه دوره شهر عقدا). مسکن و محیط روستا، ۱۶۱، ۴۵-۶۰.
۱۸. فلامکی، محمدمنصور؛ پورعلی، مصطفی؛ طالبیان، محمدحسن؛ هاشم‌نژاد، هاشم. (۱۳۹۳). «قلمروهای تفاهمی، بررسی موردی: ایجاد تلارپیش در ماسوله». مطالعات معماری ایران ۳، شماره ۶: ۲۵-۴۰.
۱۹. گلرخ، شمین. (۱۳۹۱). قرارگاه رفتاری: واحدی برای تحلیل محیط. تهران: آرمانشهر.
۲۰. لنگ، جان. (۱۳۹۶). آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. توسط ترجمه علیرضا عینی فر. انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. مدنی پور، علی. (۱۳۹۴). فضاهای عمومی و خصوصی شهر (ترجمه دکتر فرشاد نوریان). تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری.

- C. Gordon, L. Marshall, J. Mephram, & K. Soper, Trans.). New York: Pantheon Books.
37. Heft, H., Hoch, J., Edmunds, T., & Weeks, J. (2014). Can the identity of a behavior setting be perceived through patterns of joint action? An investigation of place perception. *Behavioral Sciences*, 4(4), 371-393. 10.3390/bs4040371
38. Huang, J., Mori, S., & Nomura, R. (2019). Territorial cognition, behavior, and space of residents: a comparative study of territoriality between open and gated housing blocks; a case study of Changchun, China. *Sustainability*, 11(8), 2332. <https://doi.org/10.3390/su11082332>
39. Jordan, T. (1998). The uses of territories in conflicts: A psychological perspective. *The online journal of peace and conflict resolution*, 1, 2.
40. Lang, J. (2004). *Urban design: A typology of procedures and products*. Oxford: Architectural press.
41. Lawson, Bryan. (2007). *How Designers Think: The design process demystified* (4th ed.). Oxford: Architectural Press.
42. Lyman, S.M., & Scott, M.B. (1967). Territoriality: A neglected sociological dimension. *Social Problems*, 15(2), 236-249.
43. Ricci, N. M. (2021). The Interplay of Psychology, Physiology and Architectural Design: an Overview. *New Design Ideas*, 5(2), 95-113.
44. Moore, G. (1979). *Environment-Behavior Studies*. In J. Snyder, & A. Catanese (eds.), *Introduction to Architecture* (pp. 46-71). New York: McGraw-Hill.
45. Nasar, J. L. (2011). Environmental psychology and urban design. In *Companion to urban design* (pp. 162-174). Routledge.
46. Rapoport, A. (2005). *Culture, architecture, and design*: Locke Science Pub. Co., Chicago, US.
47. Scott, M. M. (2005). A powerful theory and a paradox: Ecological psychologists after Barker. *Environment and behavior*, 37(3), 295-329. <https://doi.org/10.1177/0013916504270696>
48. St-Jean, P., Clark, O. G., & Jemtrud, M. (2022). A review of the effects of architectural stimuli on human psychology and
۲۲. مک اندرو، فرانسیس تی. (۱۳۹۴). *روان شناسی محیطی*، ترجمه غلامرضا محمودی. تهران: وانی، چاپ چهارم.
۲۳. قهفرخی، مهری؛ اختیاری، مریم؛ شریف، حمیدرضا. (۱۳۹۹). چارچوب شناسایی، تحلیل و بررسی قرارگاه‌های رفتاری در طراحی فضاهای داخلی مسکن - نمونه موردی منطقه فرهنگ شهر شیراز، نشریه هنرهای زیبا، ۳، ۱۹-۳۶.
۲۴. نیومن، اسکار. (۱۳۸۷). *خلق فضای قابل دفاع (مترجم: فائزه رواقی و کاوه صابر)*. تهران: انتشارات طحان/هله.
25. Altman, I. (1975). The environment and social behavior: privacy, personal space, territory, and crowding.
26. Arzhmand, Mahmoud; Khani, Somayeh. (2012). The role of privacy in Iranian home architecture, *Quarterly Journal of Iranian Islamic City Studies*, 7, 27-38.
27. Barker, R. G. (1968). *Concepts & Methods for Studying the Environment of Human Behaviour*. Ecological Psychology.
28. Bechtel, Robert B. (1977). "Environment and Behavior: An Introduction".
29. Bell, P.A., Greene, T.C., Fisher, J.D., & Baum, A. (1996). *Environmental Psychology* (4th ed.). Harcourt Brace college Publishers.
30. Brown, G., Lawrence, & Robinson, S. L. (2005). Territoriality in organizations. *Academy of Management Review*, 30(3), 577-594. <https://doi.org/10.5465/amr.2005.17293710>
31. Bonnes, M., & Secchiarioli, G. (1995). *Environmental psychology: A psycho-social introduction*.
32. Biddulph, M. (2007). *Introduction to residential layout*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780080468617>
33. Delaney, David. (2008). *Territory: A short Introduction*. John Wiley & sons.
34. Duncan, James S. (1981). *The city as text: The politics of landscape Interpretation in the Kandy Kingdom*. Cambridge: Cambridge university Press.
35. Francovich, C. (2008). Exploring leadership influence behaviors in the context of behavior settings. *International Journal of Leadership Studies*, 4(1), 38-50.
36. Foucault, M. (1980). *Power/Knowledge: Selected Interviews and Other Writings, 1972-1977*. (C. Gordon, Ed.;

- assessment for community programs and residences. Community mental health journal, 27, 313-325. <https://doi.org/10.1007/BF00752382>
53. Popov, L., & Chompalov, I. (2012). Crossing over: The interdisciplinary meaning of behavior setting theory. International Journal of Humanities and Social Science, 2(19), 18-27.
54. Weil, Simone. (1952). The Need for roots: Prelude to a Declaration of Duties Towards Mankind. London: Routledge & Kegan Paul.
55. Zubaidi, F., Santosa, H. R., Faqih, M. (2013). Territoriality in the Traditional Context, Psychology and Behavioural Sciences. 2(3), 89-95.
- physiology. Building and Environment, 219, 109182. <https://doi.org/10.1016/j.buildenv.2022.109182>
49. Sanoff, H. (1971). Behavior settings in residential environments: A research strategy for determining what happens in the designed environment. Journal of Architectural Education, 25(4), 95-97. <https://doi.org/10.1080/10464883.1971.11102472>
50. Sheldrake, P. (2007). Placing the sacred: Transcendence and the city. Literature and Theology, 21(3), 243-258. <https://doi.org/10.1093/litthe/frm023>
51. Shils, E. (1975). Center and periphery: Essay in macrosociology. University of Chicago Press.
52. Perkins, D. V., & Baker, F. (1991). A behavior setting



© 2024 by author(s); Published by Science and Research Branch Islamic Azad University, This work for open access publication is under the Creative Commons Attribution International License (CC BY 4.0). (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

Measuring the Indicators of the Perceptual–Emotional Dimension of Environmental Territories Based on the Interpretation of Users’ Behavioral Settings (Case Study: Organizational Residential Complexes in Ahvaz)

Niloufar Mohammadi, Department of Architecture, Ahv.C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

*Kourosh Momeni**, Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning Jundi-Shapur University of Technology, Dezful, Iran.

Mahan Naji, Department of Graphic Design, Ahv.C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

Abstract

Living in a suitable residential environment requires not only clear spatial organization and well-defined domains but also careful consideration of perceptual, psychological, and sociocultural dimensions that shape everyday life. Previous studies highlight that residents’ satisfaction is more strongly influenced by non-physical aspects—such as sense of security, belonging, ownership, legibility, and spatial identity—than by material or structural features alone. Understanding these dimensions provides valuable insights into how people engage with their surroundings, ultimately enabling architects and planners to design environments that foster well-being, social interaction, and cultural continuity. The present study investigates perceptual–emotional dimensions of environmental domains and examines behavioral loci within four organizational residential complexes in Ahvaz. Drawing on principles of environmental psychology, the research explores how specific architectural and spatial design characteristics influence users’ mental, emotional, and behavioral experiences of place. The methodological framework is based on a mixed-methods approach, combining both qualitative and quantitative phases in order to capture the complexity of the phenomenon. The research design is descriptive–analytical, with a particular focus on correlational relationships among the studied variables. In the qualitative stage, theoretical foundations of behavioral loci and perceptual–emotional indicators were systematically reviewed, resulting in the identification of five core dimensions: security, ownership, belonging, legibility, and spatial identity. In the quantitative stage, structured questionnaires designed on a five-point Likert scale were administered to both residents and expert participants. Sampling procedures employed cluster and snowball techniques to ensure representativeness. Content validity was confirmed by a panel of ten specialists in architecture and urban planning, while reliability was tested and verified using Cronbach’s alpha. Collected data were analyzed using SPSS software, and the resulting indicators were ranked and compared according to the hierarchical conceptual model proposed in this study. Findings revealed significant differences among the four residential complexes. Gate-Bustan achieved the strongest results in perceptual–emotional indicators due to its clear spatial boundaries, opportunities for personalization of exterior and semi-public spaces, and integration of local cultural elements. These features enhanced residents’ feelings of security, ownership, and belonging, while also reinforcing cultural identity and a sense of continuity with place. Kooye-Ostadan demonstrated relatively higher levels of legibility thanks to well defined entrances, pathways, and physical boundaries, which strongly supported orientation, navigation, and wayfinding. By contrast, the Naft and Neyshkar complexes, influenced by modernist architectural approaches, displayed weaker spatial boundaries and limited cultural references. As a result, they scored significantly lower in ownership, belonging, and perceived security, highlighting the shortcomings of design approaches that neglect socio-cultural cues. Overall, the study underscores the essential interplay between physical design and psychological perception. It identifies three decisive factors—defined boundaries, incorporation of local identity cues, and facilitation of social presence—as critical for strengthening environmental domains and improving residents’ quality of life. The research is innovative in its integration of perceptual–emotional indicators with behavioral loci theory within a hierarchical conceptual model, allowing for a more holistic evaluation of residents’ lived experiences. Beyond its immediate local context, the findings provide broader implications for housing policies and urban design strategies.

Keywords: Territory, Perceptual–Emotional Dimension, Behavioral Setting, Residential Complexes, Ahvaz

* Corresponding Author Email: K_Momeni@jsu.ac.ir